

«آیین های مداوا» عنوان برنامه ای بود که روز چهارشنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۸۳ در «انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران» برگزار شد. ابتدا قرار بود در این برنامه چهار فیلم «باد جن» و «زار» هر دو از ناصر تقوایی، «مراسم زار» اثر فردیس فیض بخش و «مراسم درمانی قوم لاسی» از ژان مورینگ در این روز به نمایش در آید، اما فیلم «زار» ناصر تقوایی به دلیل جابجایی حلقه های فیلم ها امکان نمایش پیدا نکرد و سه فیلم باقی مانده پخش شدند.

مجموعه این فیلم ها در شکل کلی به بررسی «آیین» در زندگی بشر می پرداختند، آیین در علم انسان شناسی، اعمال یا کرداری رسمی است که در چارچوب عبادتی _ مذهبی صورت می گیرد. این اعمال از الهیات مجزا و متفاوت است انسان شناسان از آیین ها به عنوان منبع اطلاعات فرهنگی استفاده می کنند زیرا در آیین ها از اساطیر و اخلاقیات و نمادهای مهم فرهنگ به صورت عملی استفاده می شود، انگار که آیین (تمامی اعمال تکراری) صحنه نمایشی باشد که اساطیر، اخلاقیات و نمادها بازیگران مهم آن نمایش باشند.

«باد جن» مستندی ۲۲ دقیقه ای از تقوایی بود که به بررسی آیین بیرون راندن باد جن از بدن شخصی که جن در او حلول کرده بود می پرداخت، در این آیین که در بندر لنگه از بنادر خلیج فارس رواج دارد، بومیان مبتلا به باد جن، به کمک مداواگران سنتی با نواختن سه نوع دهل و کف زدن و آواز خواندن مداوا می شوند. طبق این آیین بر سر شخص مبتلا، پارچه ای سفید انداخته می شود و او با یک رقص خاص _ دو زانو نشستن و سر را به اطراف تکان دادن _ کوشش می کند تا جن از بدنش خارج شود.

فیلم بعدی، با نام «مراسم زار» مستندی ۳۰ دقیقه ای بود که فردیس فیض بخش دانشجوی سال آخر موسیقی ساخته بود. این فیلم بخش کوتاهی از این مراسم را که در سال ۱۳۸۲ در بندرعباس محله خواجه عطا (محله سیاهان بلوچ) اجرا شده است، نشان می دهد که در آن ماما صفیه، ماما زار است.

مراسم زار منشاء آفریقایی دارد و در کشورهای مصر و سومالی و اتیوپی و برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس رایج است. این مراسم در کشور ما بیشتر در استان های خوزستان و هرمزگان و سیستان و بلوچستان به چشم می خورد و در استان بوشهر کمرنگ است. این آیین با رویکردی درمانی به منظور بازگرداندن سلامتی فردی که باد _ نیروی ماوراءالطبیعه _ تسخیرش کرده است انجام می شود. فیض بخش کارگردان این فیلم درباره مراسم زار گفت: «در جنوب ایران وقتی شخصی بیماری سختی مثل سردردهای مزمن پیدا می کند که به هر پزشکی رجوع می کند مداوا نمی شود، به ماما زار یا بابازار مراجعه می کند. اینها افرادی هستند که به عقیده اهالی جنوب قدرت دارند «باد»ی را که وارد بدن شخص شده خارج

کنند. برای این کار هم از موسیقی و عطر و دود و بخور استفاده می کنند چون معتقدند «باد» از این عناصر خوشش می آید و به طرف آنها جلب می شود. بعضی مواقع هم برای بیرون کردن باد قربانی می کنند.

در فیلم هم این نکته ها مشهود بود، ماما زار که وظیفه مداوای بیمار را بر عهده گرفته بود، زمانی که حالت وجد پیدا کرده بود ساز و ساز زن ها را می بوسید و بنا به گفته کارگردان با این کار می خواست نظر مساعد «باد» را جلب کند تا از بدن بیمار خارج شود.

ژان دورینگ، رییس «انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران» فیلم «مراسم درمانی قوم لاسی» را نمایش داد که حدود ۶۰ دقیقه بود، این فیلم یک نمونه از مراسم «گواتی مالی» به سبک بلوچ است که در کراچی اجرا شده بود. فیلم توسط یکی از دوستان دورینگ ساخته شده بود و متأسفانه به علت غیبت کارگردان، بسیاری از سوالات بی پاسخ ماند.

این فیلم مراسم مداوای یک مرد اهل کراچی را نمایش می داد و بیشتر از همه بر نقش درمانگر که به او «خلیفه» می گفتند متمرکز بود، خلیفه از نژاد آفریقایی و از قوم لاسی بود. لاسی، قومی است با فرهنگ و نژاد بین سندی و بلوچی. خلیفه که خودش مسئول یک زیارتگاه لاسی است پس از شنیدن موسیقی مخصوصی که با ساز «سروزی» نواخته می شد به اصطلاح محلی «مست» می شد و شروع به رقص می کرد، رقص او هم کاملاً شبیه رقص ماما زار در ایران بود، روی دو زانو می نشست و بدنش را به تناوب و همراه با ریتم تکان می داد، پس از این که خلیفه کاملاً مست شد، شروع به اجرای برنامه ای روی بدن بیمار کرد، او هر بار با رقصیدن، به بیمار نزدیک می شد و پس از مکیدن پهلو و شکم او مقداری گوشت را که در دهانش جمع شده بود تف می کرد، و اینکار را مرتباً تکرار می کرد، سپس روغن مخصوصی را به دستش می مالید و دستش را از روی آتش گذر می داد و روغن را به بدن بیمار می مالید، این عمل را هم چند بار تکرار کرد تا این که تشخیص داد که برای بیمار کافیست، پس از آن نوبت حاضران در جلسه بود که هر کدام اعضای از بدنشان را که دچار درد بود عریان می کردند تا خلیفه دست روغنی اش را بر آن بکشد.

یکی از ویژگی های این مراسم، این بود که هیچ زنی را به آن جمع راه نمی دادند. و تقریباً ورود زنان به آن جا ممنوع بود بر خلاف مراسم زار در ایران که با حضور دو جنس اجرا می شود. علاوه بر آن خلیفه عصایی فلزی داشت که هر چند دقیقه یک بار به سوی آن می رفت و نسبت به آن احترام به جای می آورد. و به نظر می آمد این عصا از خلیفه قبلی به او رسیده بود.

در پایان این فیلم، سهیلا شهشهانی انسان شناس که یکی از بانیان برگزاری این جلسه بود از غیبت ناصر تقوایی اظهار تاسف کرد و گفت کاش کارگردان نامی ایران هم در این جلسه حاضر بود تا درباره فیلم خودش سخن می گفت. از سویی

دیگر او تاکید کرد فیلم تقوایی (باد جن) گر چه از نظر مستندسازی و سوژه یابی یک اثر هنری است اما از منظر انسان شناسی کار درستی نیست، چون تقوایی بدون اجازه محلی ها، و با استفاده از سه دوربین به طور مخفی این مراسم را فیلم برداری کرده است، و این عملی است که به هیچ وجه در انسان شناسی مجاز نیست. در این رشته اگر می خواهیم مساله ای را نقل کنیم باید حتما با اجازه مردم آن منطقه باشد .

این برنامه آخرین برنامه از سری نمایش فیلم های انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران بود که در بهار ۸۳ برگزار می شد.